MEJDS. 2021; 11:151.

Published online 2021 Nov. **Original Article**

Developing a Causal Model of Marital Burnout Based on Differentiation, Resilience, and Emotion Regulation

Ghobadi M[1], *Moradi O[2], Yarahmadi Y[2], Ahmadian H[2]

Author Address
1. PhD Student, Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran;
2. Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
*** Corresponding author's email:** o.moradi@iausdj.ac.ir

Accepted: 2020 September 20**; Received:** 2020 November 16

Abstract

Background & Objectives: Among the factors affecting the rate of marital conflict reduction, we can mention marital burnout, i.e., directly and indirectly, impacted by various characteristics, such as resilience, differentiation, and emotion regulation in couples. Numerous psychologists and family therapists consider the quality of relationships between key family members as a critical factor in the success or failure of any marriage. Marital burnout is a general lack of care and love in a relationship, i.e., different from marital dissatisfaction. Marital burnout fades and sometimes completely disappears the love and affection between couples. The current study aimed to develop a causal model of marital burnout based on the degree of differentiation, resilience, and emotion regulation in couples with marital conflict.

Methods: The present descriptive–correlational study employed structural equation modeling. The statistical population of the study included all couples who were referred to the counseling centers of Gachsaran City, Iran, in 2019 with the complaint of marital conflict. The number of couples participating in counseling centers was estimated at approximately 1000–1200. Therefore, to select a research sample using the convenience sampling method, 300 couples referring to counseling centers were selected. After guiding the couples, they were dedicated adequate time to complete the research questionnaires. The inclusion criteria of the study include a high score of marital conflict among the samples according to the Marital Conflict Questionnaire (MCQ; Sanaei & Barati, 2000); no substance abuse in neither spouse; no chronic mental disorders, and willingness to participate in the research. To collect the required data, we used the Differentiation of Self Inventory (DSI) (Skowron & Friedlander, 1998), the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC; Connor & Davidson, 2003), the Affective Self–Regulation Strategies Scale (Larsen & Prizmic, 2004), the Marital Burnout Scale (Pines, 1996), and the MCQ. Descriptive statistics, including mean and standard deviation as well as, inferential statistical methods, such as Pearson correlation coefficient and structural equation modeling were used to analyze the collected data in SPSS and SmartPLS. A significance level of 0.05 was used for all statistical tests.

Results: The present research results suggested that the direct path coefficients between resilience and emotion regulation (p<0.001, β=0.63) as well as differentiation and emotion regulation (p<0.001, β=0.28) were significant and positive. Moreover, the path coefficients between resilience and marital burnout (p= 0.009, β=–0.15), differentiation and marital burnout (p<0.001, β=–0.29), and emotion regulation and marital burnout (p<0.001, β=–0.48) were negative and significant. Additionally, the indirect effect of resilience on marital burnout (p<0.001, β=–0.30) and the indirect effect of differentiation on marital burnout (p<0.001, β=–0.13), with the mediating role of emotion regulation, was significant and negative. Besides, the goodness of fit indices supported the relatively good fit of the research model with the collected data (X^2/df=3.13, CFI=0.91, GFI=0.95, AGFI=0.93, RMSEA=0.061).

Conclusion: According to the present research findings, resilience and differentiation, with the mediating role of emotion regulation, can be a desirable model for explaining marital burnout in couples with marital conflicts.

Keywords: Marital burnout, Marital conflict, Differentiation, Resilience, Emotion regulation.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۱۵۱.

انتشار برخط آبان ۱۴۰۰ مقاله پژوهشی اصیل

تدوین مدل علّی دلزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی

ماریانوس قبادی[۱]، *امید مرادی[۲]، یحیی یاراحمدی[۲]، حمزه احمدیان[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران؛

۲. گروه روان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** o.moradi@iausdj.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۶ آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: دلزدگی زناشویی، عشق و علاقه بین زوجین را کم‌رنگ و گاهی به‌طور کامل محو می‌کند و خود به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر عامل‌های مختلفی است. پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل علّی دلزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی زوجین انجام شد.

روش‌بررسی: پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی زوجین مراجعه‌کننده با مشکل تعارض زناشویی به مراکز مشاورهٔ شهر گچساران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. از بین آن‌ها، تعداد سیصد نفر به‌روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامهٔ تمایزیافتگی خود (اسکورن و فریدلنر، ۱۹۹۸)، مقیاس تاب‌آوری کانر ـ دیویدسون (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳)، مقیاس راهبردهای خودتنظیمی عاطفی (لارسن و پریزمایک، ۲۰۰۴)، مقیاس دلزدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) و پرسشنامهٔ تعارضات زناشویی (ثنایی و براتی، ۱۳۷۹) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۲ و SmartPLS به‌کار رفت. سطح معناداری آزمون‌ها در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، ضرایب مسیر مستقیم بین تاب‌آوری با خودتنظیمی هیجانی ($p<$۰/۰۰۱ و β=۰/۶۳) و تمایزیافتگی با خودتنظیمی هیجانی ($p<$۰/۰۰۱ و β=۰/۲۸) مثبت و معنادار بود. ضرایب مسیر بین تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی ($p=$۰/۰۰۹ و β=−۰/۱۵) ، تمایزیافتگی با دلزدگی زناشویی ($p<$۰/۰۰۱ و β=−۰/۲۹) و خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی زناشویی ($p<$۰/۰۰۱ و β=−۰/۴۸) منفی و معنادار به‌دست آمد؛ همچنین اثر غیرمستقیم تاب‌آوری بر دلزدگی زناشویی ($p<$۰/۰۰۱، β=−۰/۳۰) و اثرغیرمستقیم تمایزیافتگی بر دلزدگی زناشویی ($p<$۰/۰۰۱ و β=−۰/۱۳) با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی، منفی و معنادار به‌دست آمد؛ همچنین شاخص‌های نکویی برازش از برازش نسبتاً خوب الگوی پژوهش با داده‌های گردآوری‌شده حمایت کردند (X^2/df=۳/۱۳ و CFI=۰/۹۱ و GFI=۰/۹۵ و AGFI=۰/۹۳ و RMSEA=۰/۰۶۱).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، تاب‌آوری و تمایزیافتگی با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی می‌تواند مدل مطلوبی برای تبیین دلزدگی زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی باشد.

کلیدواژه‌ها: دلزدگی زناشویی، تعارض زناشویی، تمایزیافتگی، تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار ـ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

۱ مقدمه

از عوامل مؤثر بر میزان کاهش تعارض زناشویی[1] می‌توان به متغیر دلزدگی زناشویی اشاره کرد که خود به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر عامل‌های مختلفی است. در این پژوهش به بررسی برخی از عوامل و میزان تأثیر آن‌ها بر کاهش تعارض زناشویی پرداخته شده است. درواقع از عامل‌های اثرگذار بر تعارضات زناشویی، دلزدگی زناشویی[2] است و عوامل مختلفی بر دلزدگی تأثیر دارد که ازجمله می‌توان به تاب‌آوری[3]، تمایزیافتگی[4] و خودتنظیمی هیجانی[5] در زوجین اشاره کرد (۴ـ۱).

بسیاری از روان‌شناسان و خانواده‌درمانگران، کیفیت روابط بین اعضای اصلی خانواده را از عوامل بسیار مهم در موفق‌بودن یا موفق‌نبودن هر ازدواجی می‌دانند که دیدگاه بانفوذتر آن، نظریهٔ تمایزیافتگی بوئن[6] است (۵). تمایزیافتگی می‌تواند بر دلزدگی زناشویی زوجین تأثیر بگذارد و از بروز دلزدگی در زوجین جلوگیری کند (۶). خودمتمایزسازی به میزان و درجه‌ای اشاره دارد که فرد قادر است بین عملکرد عقلانی و هیجانی و نیز شخصیت و استقلال در روابط تعادل برقرار کند (۷). همچنین خودمتمایزسازی به‌عنوان متغیری شخصی، مفهوم‌بندی شده است که روی مقیاسی فرضی از صفرتا۱۰۰ قرار می‌گیرد و نمایانگر سطوح مختلف تمایز فرد در دو سطح درون‌فردی و بین‌فردی است (۸). افرادی که در قطب بالای مقیاس قرار دارند، از لحاظ عاطفی پخته هستند؛ همچنین آن‌ها می‌توانند به میل خودشان احساس یا کردار داشته باشند و تعریف واضح و درستی از خود دارند (۹).

یکی از متغیرهای دیگر تاب‌آوری است که تأثیر بسزایی بر دلزدگی زناشویی دارد (۱۰). همچنین از عوامل تأثیرگذار بر دلزدگی زناشویی می‌توان به خودتنظیمی هیجانی در زوجین اشاره کرد. این مهارت می‌تواند باعث افزایش تاب‌آوری و تمایزیافتگی در زوجین شود و از این طریق بر کاهش دلزدگی زناشویی زوجین تأثیرگذار باشد (۱۱). دلزدگی فقدان کلی مراقبت و عشق در رابطه است که این حالت با نارضایتی زناشویی تفاوت دارد. نارضایتی زناشویی، ناخشنودی از یک زمینه در ازدواج و نه لزوماً کل رابطه است. همچنین دلزدگی در یکی از طرفین، بیشتر از طرف دیگر رخ می‌دهد (۱۲). درواقع دلزدگی در زوج‌ها، روندی تدریجی است که طی آن صمیمیت و عشق به‌تدریج رنگ می‌بازد و به‌همراه آن خستگی عمومی عارض می‌شود (۱۳).

امیدی‌فر و همکاران در پژوهشی با بررسی مقایسه و رابطهٔ خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی و صمیمیت زناشویی در زوجین هر دو و یکی شاغل در ادارات دولتی نشان دادند که میانگین راهبردهای تنظیم هیجان، دلزدگی زناشویی و صمیمیت زناشویی در دو گروه زوجین یکی و هر دو شاغل دارای تفاوت معناداری است؛ بدین‌صورت که زوجین هر دو شاغل دارای راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و صمیمیت زناشویی کمتر و راهبردهای منفی تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی بیشتری درمقایسه با زوجین یکی شاغل هستند. همچنین بین راهبردهای تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی، راهبردهای تنظیم هیجان و صمیمیت زناشویی، صمیمیت زناشویی و دلزدگی رابطهٔ معنادار وجود دارد (۱۴). کلوکرینوس و همکاران در پژوهشی با بررسی رابطهٔ تمایزیافتگی با خودتنظیمی هیجانی دریافتند، رابطهٔ معناداری بین تمایزیافتگی و خودتنظیمی هیجانی وجود دارد و هیجانات منفی دارای رابطهٔ معنادار بیشتری با خودتمایزیافتگی کم است (۱۵).

ضرورت پژوهش حاضر از آن حیث بود که ازآنجاکه رابطهٔ زناشویی اگر با احساس رضایت و شادی و نشاط همراه باشد، تأثیر خوبی بر سلامت روان زوجین دارد، می‌توان گفت کیفیت رابطهٔ زناشویی و ابعاد مختلف آن از عوامل بسیار مهم پایداری زندگی مشترک است. اگر زوجین بتوانند سطح رضایت و شادی را در زندگی زناشویی خود افزایش دهند، علاوه‌بر حفظ رابطهٔ زوجی بنیان خانواده‌شان را نیز از آسیب محفوظ می‌دارند؛ بااین‌وجود، احساسی که زوجین درقبال رابطهٔ زناشویی‌شان دارند، با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود و معمولاً زوجین در ابتدای زندگی مشترک شادی و به‌طور کلی احساسات مثبت بیشتری دربارهٔ یکدیگر تجربه می‌کنند. بدیهی است که با گذشت زمان و مواجه‌شدن با چالش‌های مختلف زندگی زناشویی، می‌تواند از میزان این احساسات مثبت کاسته شود و مهم‌تر آنکه ممکن است زوجین مهارت‌های لازم را برای بهبود کیفیت رابطهٔ زناشویی نداشته باشند؛ بنابراین این امر می‌تواند با به‌کارگیری مداخلات مؤثر تسهیل شود؛ بر این اساس هدف از انجام پژوهش حاضر، تدوین مدل علّی دلزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی بود.

۲ روش‌بررسی

روش پژوهش حاضر توصیفی‌همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی زوجین مراجعه‌کننده با مشکل تعارض زناشویی به مراکز مشاورهٔ شهر گچساران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. تعداد زوج‌های شرکت‌کننده به مراکز مشاوره تقریباً بین ۱۰۰۰تا۱۲۰۰ نفر برآورد شد؛ ازاین‌رو برای انتخاب نمونهٔ پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس تعداد سیصد نفر از زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انتخاب شدند. سپس ابزارهای پژوهش روی آن‌ها اجرا شد. برای تعیین تعداد نمونه به‌دلیل اینکه در پژوهش مدل‌یابی به‌ازای هر متغیر آشکار ۱۰تا۱۵ نفر نیاز است (۱۶)، براساس متغیرهای موجود (هیجده متغیر آشکار) (مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱)، ۲۷۰ نفر لازم بود. برای اطمینان بیشتر، سیصد نفر به‌روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش به شرکت‌کنندگان داده شد و بعد از راهنمایی زوجین، وقت کافی برای تکمیل پرسشنامه‌ها به آن‌ها داده شد. با توجه به جامعهٔ آماری پژوهش، با هماهنگی با مسئولان مرکز مشاوره به ۳۰۰ شرکت‌کننده که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، پرسشنامه داده شد و تمامی آن‌ها جمع آوری شد. پس از آن، داده‌ها به‌منظور انجام تجزیه‌وتحلیل‌های آماری وارد نرم‌افزار SPSS شد نسخهٔ ۲۲ شد و یافته‌ها استخراج شد.

[1]. Marital conflict
[2]. Marital burnout
[3]. Resilience
[4]. Differentiation
[5]. Emotional self-regulation
[6]. Bowen

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

معیارهای انتخاب افراد در مطالعه شامل بیشتربودن نمرهٔ تعارض زناشویی براساس پرسشنامهٔ تعارضات زناشویی[1] (۱۷) در بین نمونه‌ها، نبود سوءمصرف مواد مخدر در هیچ‌یک از زوجین، نداشتن اختلالات روانی مزمن و انتخاب زوج‌های مایل به شرکت در پژوهش بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح ذیل بود: تمامی افراد به‌شکل شفاهی اطلاعاتی دربارهٔ پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

ابزارهای زیر در پژوهش به‌کار رفت.

ـ پرسشنامهٔ تمایزیافتگی خود[2]: این پرسشنامه را اسکورن و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ تهیه کردند (۱۸). فرم اولیهٔ پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر تهیه شد و پرسشنامهٔ نهایی در ۴۵ آیتم برمبنای نظریهٔ بوئن ساخته شد. این پرسشنامه به‌صورت خودگزارشی است و به‌منظور سنجش تمایزیافتگی افراد به‌کار می‌رود؛ همچنین تمرکز اصلی آن بر ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانوادهٔ اصلی است. این پرسشنامه ۴۵ سؤال دارد. پاسخ‌ها بر طیفی شش‌درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده است؛ همچنین پرسشنامه دارای چهار خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی، گسلش عاطفی، آمیختگی با دیگران و مواضع شخصی یا موقعیت من است. نمرهٔ بیشتر در نمرهٔ کل و خرده‌مقیاس جایگاه من، بیشتربودن سطح تمایزیافتگی و جایگاه من را نشان می‌دهد. نمرهٔ کمتر به‌معنای نبود تمایزیافتگی و جایگاه من است. همچنین در خرده‌مقیاس‌های واکنش عاطفی، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران نمرهٔ بیشتر به‌معنای نبود این ویژگی‌ها و درجهت افزایش تمایزیافتگی است (۱۸). همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه در کل ۰/۸۸ و برای هریک از خرده‌آزمون‌های واکنش عاطفی ۰/۸۳، گسلش عاطفی ۰/۸۰، آمیختگی با دیگران ۰/۸۲ و موقعیت من یا مواضع شخصی ۰/۸۰ به‌دست آمد (۱۸). در پژوهش جعفری و همکاران پایایی کل آزمون برای واکنش عاطفی ۰/۸۱، گسلش عاطفی ۰/۷۷، آمیختگی با دیگران ۰/۷۸ و جایگاه من ۰/۶۴ بود (۱۹).

ـ مقیاس تاب‌آوری کانر ـ دیویدسون[3]: این مقیاس را کانر و دیویدسون در سال ۲۰۰۳ با مرور منابع پژوهشی ۱۹۹۱تا۱۹۷۹ حوزهٔ تاب‌آوری تهیه کردند (۲۰). این مقیاس ۲۵ عبارت دارد که در طیفی لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. شیوهٔ نمره‌گذاری گزینه‌ها در این مقیاس بدین‌شرح است: کاملاً نادرست=صفر؛ به‌ندرت=۱؛ گاهی درست=۲؛ اغلب درست=۳؛ همیشه درست=۴؛ بنابراین طیف نمرات این پرسشنامه بین صفرتا۱۰۰ است. نمرات بیشتر بیانگر تاب‌آوری بیشتر آزمودنی است (۲۰). نتایج تحلیل عاملی حاکی‌از آن بود که این پرسشنامه دارای پنج عامل تصور شایستگی فردی، اعتماد به غرایز فردی، تحمل عاطفهٔ منفی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل و تأثیرات معنوی است. کانر و دیویدسون ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ گزارش کردند (۲۰). همچنین در پژوهش کمپل ـ سینز و استینز ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در فاصله‌ای چهارهفته‌ای ۰/۸۷ بود (۲۱). محمدی برای تعیین پایایی مقیاس تاب‌آوری کانر ـ دیویدسون از روش آلفای کرونباخ بهره گرفت و ضریب پایایی ۰/۸۹ را گزارش کرد (۲۲).

ـ مقیاس راهبردهای خودتنظیمی عاطفی[4]: این مقیاس توسط لارسن و پریزمایک در سال ۲۰۰۴ طراحی شد (۲۳). این مقیاس دارای ۴۴ سؤال است که ابعاد شناختی، رفتاری، تغییر موقعیت، تغییر عاطفه، کاهش خُلق منفی و افزایش خُلق مثبت را شامل می‌شود. مقیاس راهبردهای خودتنظیمی عاطفی از نوع پرسشنامه‌های بسته‌پاسخ هفت‌گزینه‌ای است که از هرگز، خیلی به‌ندرت، بعضی اوقات، تا حد متوسط، اغلب، بیشتر اوقات و همیشه تشکیل شده است و ازصفرتا۶ نمره‌گذاری می‌شود (۲۳). پایایی نسخهٔ اصلی این مقیاس به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و به‌روش بازآزمایی، ۰/۸۴ به‌دست آمد (۲۳). معمار و همکاران پایایی این مقیاس را با استفاده از روش دونیمه‌کردن ۰/۷۵ و با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کردند (۲۴).

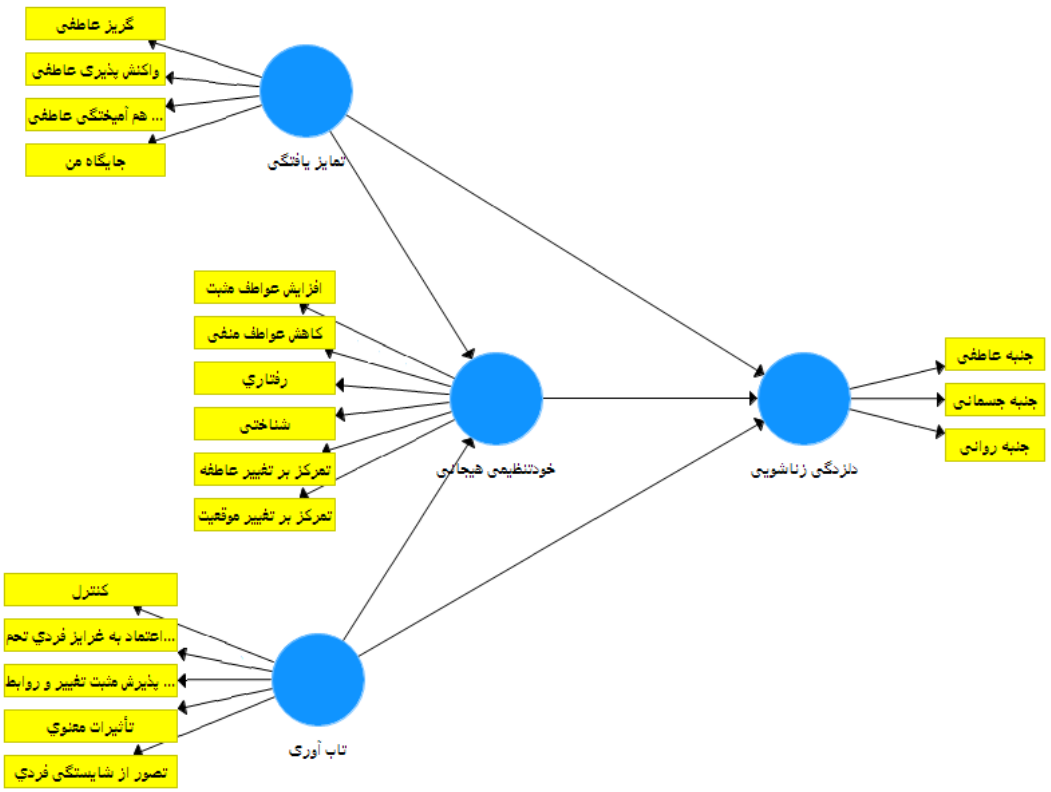
ـ مقیاس دلزدگی زناشویی[5]: این مقیاس توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ طراحی شد (۲۵). این پرسشنامه بیست ماده دارد که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب)، ازپاافتادن عاطفی (مثلاً احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و ازپاافتادن روانی (مثلاً احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است. تمام این مواد روی مقیاسی هفت‌امتیازی پاسخ داده می‌شود. کسب نمرات بیشتر در این پرسشنامه به‌معنای دلزدگی زناشویی بیشتر است (۲۵). ارزیابی ضریب پایایی مقیاس دلزدگی زناشویی نشان داد، دارای همسانی درونی بین متغیرها در دامنهٔ ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. همچنین ضریب پایایی آزمون ـ بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دورهٔ یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای یک دورهٔ دوماهه و ۰/۶۶ برای دورهٔ چهارماهه بود. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بین ۰/۹۱تا۰/۹۳ به‌دست آمد (۲۵). در ایران نیز نویدی آلفای کرونباخ پرسشنامه را در ۲۴۰ نمونه، ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه‌گیری کرد که ۰/۸۶ بود (۲۶).

ـ پرسشنامهٔ تعارضات زناشویی: این پرسشنامه توسط ثنایی و براتی در سال ۱۳۷۹ براساس تجارب بالینی در ایران ساخته شد (به نقل از ۱۷). این پرسشنامه، ابزاری ۴۲سؤالی است که برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهر استفاده می‌شود. پرسشنامه هفت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که شامل کاهش همکاری، رابطهٔ جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطهٔ فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطهٔ خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جداکردن امور مالی از یکدیگر است. مشاوران و سایر متخصصان بالینی می‌توانند از این پرسشنامه برای

1. Marital Conflict Questionnaire (MCQ)
2. Differentiation of Self Inventory (DSI)
3. The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)
4. Affective Self-Regulation Strategies Scale
5. Marital Burnout Scale

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری و ابعاد آن استفاده کنند. در شیوهٔ نمره‌گذاری برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده است که به‌صورت لیکرتی از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. حداکثر نمرهٔ کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است (به نقل از ۱۷).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است. در این پژوهش از آمار توصیفی برای دسته‌بندی مشخصات فردی آزمودنی‌ها به‌منظور محاسبهٔ فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین در این پژوهش روش آمار استنباطی به‌کار رفت. از آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای تشخیص نرمال‌بودن داده‌ها و از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در راستای برازندگی الگوی پیشنهادی، شاخص نسبت مجذور خی بر درجهٔ آزادی[1]، شاخص نکویی تطبیقی[2] (CFI)، شاخص نکویی برازش[3] (GFI)، شاخص نکویی برازش تطبیقی[4] (AGFI) و ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب[5] (RMSEA) بررسی شد. اگر شاخص نسبت مجذور خی بر درجهٔ آزادی، کوچک‌تر از ۳ باشد، برازش بسیار مطلوب را نشان می‌دهد. اگر شاخص‌های CFI، AGFI، GFI بزرگ‌تر از ۰/۹۵ و شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، بر برازش بسیار مطلوب و بسیار خوب دلالت دارد. اگر شاخص‌های CFI، AGFI، GFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشند، بیانگر برازش مطلوب و خوب هستند (۲۷). برای بررسی اثر غیرمستقیم از آزمون بوت‌استرپ استفاده شد. به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش، نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۲ و SmartPLS به‌کار رفت. سطح معناداری در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

از سیصد نمونهٔ بررسی‌شده، به‌لحاظ جنسیت ۱۵۰ نفر (۵۰درصد) مرد و ۱۵۰ نفر (۵۰درصد) زن بودند. از جنبهٔ سن ۱۹ نفر (۶/۳درصد) کمتر از ۲۰ سال، ۱۰۳ نفر (۳۴/۳درصد) بین ۲۰تا۲۵ سال، ۱۰۶ نفر (۳۵/۳درصد) بین ۲۶تا۳۰ سال، ۵۱ نفر (۱۷درصد) بین ۳۱تا۳۵ سال، ۱۳ نفر (۴/۳درصد) بین ۳۶تا۴۰ سال و ۸ نفر (۲/۸درصد) بیشتر از ۴۰ سال سن داشتند؛ بنابراین سن اکثریت نمونهٔ آماری پژوهش حاضر بین ۲۶تا۳۰ سال بود. از لحاظ تحصیلات ۶۰ آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برای هفت مؤلفهٔ آن به‌ترتیب زیر از یکدیگر، ۰/۶۹ (۱۷).

[1]. χ^2/df
[2]. Comparative fit index (CFI)
[3]. Goodness of fit index (GFI)
[4]. Adjusted goodness of fit index (AGFI)
[5]. Root mean square error of approximation (RMSEA)

به‌دست آمد: کاهش همکاری، ۰/۷۳؛ کاهش رابطهٔ جنسی، ۰/۶؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۴؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۸۱؛ افزایش رابطهٔ فردی با خویشاوندان خود، ۰/۶۵؛ کاهش رابطهٔ خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۱؛ جداکردن امور مالی

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

نفر (۲۰ درصد) دیپلم و کمتر، ۷۵ نفر (۲۵ درصد) کاردانی، ۱۱۳ نفر (۳۷/۷درصد) کارشناسی، ۴۷ نفر (۱۵/۷ درصد) کارشناسی‌ارشد و ۵ نفر (۱/۶ درصد) دکتری داشتند.

جدول ۱. توصیف متغیرهای تحقیق با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر		میانگین	انحراف معیار	K-S	مقدار احتمال
تمایزیافتگی	واکنش‌پذیری عاطفی	۳۴/۴۶	۶/۹۰	۰/۴۹	۰/۷۵۴
	جایگاه من	۳۵/۸۸	۶/۶۸	۰/۸۱	۰/۵۱۲
	گریز عاطفی	۳۷/۳۱	۷/۷۸	۰/۵۷	۰/۶۳۷
	هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران	۳۴/۶۰	۷/۲۶	۰/۹۴	۰/۳۱۸
	نمرهٔ کل تمایزیافتگی	۱۴۲/۲۴	۲۷/۳۹	۰/۸۸	۰/۵۵۴
تاب‌آوری	تصور از شایستگی فردی	۲۵/۱۵	۵/۳۲	۰/۷۴	۰/۶۴۴
	اعتماد به غرایز فردی تحمل عاطفهٔ منفی	۲۲/۱۴	۵/۳۲	۰/۶۹	۰/۸۴۱
	پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن	۱۵/۳۵	۳/۳۹	۰/۷۷	۰/۶۵۱
	کنترل	۹/۳۶	۲/۱۳	۰/۶۱	۰/۶۳۷
	تأثیرات معنوی	۶/۳۰	۱/۴۸	۰/۸۴	۰/۵۹۲
	نمرهٔ کل تاب‌آوری	۷۸/۳۱	۱۵/۲۲	۰/۷۹	۰/۴۸۹
خودتنظیمی هیجانی	شناختی	۳۳/۲۳	۷/۷۳	۰/۷۴	۰/۶۷۱
	رفتاری	۸۲/۴۵	۱۹/۳۶	۰/۵۹	۰/۷۲۲
	تمرکز بر تغییر موقعیت	۵۷/۰۶	۱۴/۱۵	۰/۶۳	۰/۶۵۷
	تمرکز بر تغییر عاطفه	۶۴/۳۱	۱۴/۸۱	۰/۷۸	۰/۸۴۴
	کاهش عواطف منفی	۸۶/۱۷	۱۹/۳۲	۰/۸۲	۰/۵۷۹
	افزایش عواطف مثبت	۲۴/۶۲	۶/۲۵	۰/۸۹	۰/۳۴۸
	نمرهٔ کل خودتنظیمی هیجانی	۱۲۱/۳۷	۲۷/۷۴	۰/۹۵	۰/۴۴۲
دلزدگی زناشویی	جنبهٔ جسمانی	۱۳/۲۱	۴/۱۳	۰/۹۰	۰/۲۹۱
	جنبهٔ روانی	۱۷/۰۴	۵/۵۶	۰/۸۴	۰/۳۴۷
	جنبهٔ عاطفی	۱۵/۴۹	۴/۹۲	۰/۸۲	۰/۳۶۹
	نمرهٔ کل دلزدگی زناشویی	۴۵/۷۵	۱۳/۸۰	۰/۷۷	۰/۸۱۱

به‌منظور بررسی نرمال‌بودن داده‌های پژوهش از آزمون کولموگروف‌اسمیرنف استفاده شد. براساس جدول ۱، آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای تمام متغیرها معنادار نبود؛ بنابراین فرض نرمالیتی متغیرهای تمایزیافتگی، تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی و دلزدگی زناشویی رد نشد. در ادامه مدل معادلات ساختاری به‌کار رفت.

جدول ۲. برآورد اثر مستقیم متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	بار عاملی استانداردنشده (b)	خطای معیار	بار عاملی استاندارد (β)	مقدار احتمال
تاب‌آوری	<---	خودتنظیمی هیجانی	۰/۶۷	۰/۱۹	۰/۶۳	<۰/۰۰۱
تاب‌آوری	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۱۹	۰/۱۲	-۰/۱۵	۰/۰۰۹
تمایزیافتگی	<---	خودتنظیمی هیجانی	۰/۳۳	۰/۰۹	۰/۲۸	<۰/۰۰۱
تمایزیافتگی	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۳۷	۰/۳۴	-۰/۲۹	<۰/۰۰۱
خودتنظیمی هیجانی	<---	دلزدگی زناشویی	-۰/۵۳	-۰/۰۴	-۰/۴۸	<۰/۰۰۱

براساس جدول ۲، ضرایب مسیر مستقیم بین تاب‌آوری با خودتنظیمی هیجانی (p<۰/۰۰۱، β=۰/۶۳) و تمایزیافتگی با خودتنظیمی هیجانی (p<۰/۰۰۱، β=۰/۲۸) مثبت و معنادار بود. همچنین ضرایب مسیر بین تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی (p=۰/۰۰۹، β=-۰/۱۵)، تمایزیافتگی با دلزدگی زناشویی (p<۰/۰۰۱، β=-۰/۲۹) و خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی زناشویی (p<۰/۰۰۱، β=-۰/۴۸) منفی و معنادار به‌دست آمد. به‌منظور بررسی سهم واسطه‌گری خودتنظیمی هیجانی در رابطهٔ بین تمایزیافتگی و تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی از دستور بوت‌استرپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

باتوجه به نتایج جدول ۳، اثر غیرمستقیم تاب‌آوری بر دلزدگی زناشویی (p<۰/۰۰۱، β=-۰/۳۰) منفی و معنادار بود. همچنین اثر غیرمستقیم تمایزیافتگی بر دلزدگی زناشویی (p<۰/۰۰۱، β=-۰/۱۳) منفی و معنادار به‌دست آمد. در جدول ۴، شاخص‌های نکویی برازش الگوی

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

مسیر شده است.

جدول ۳. برآورد اثر غیرمستقیم (با استفاده از آزمون بوت‌استرپ) و کل متغیرهای پژوهش

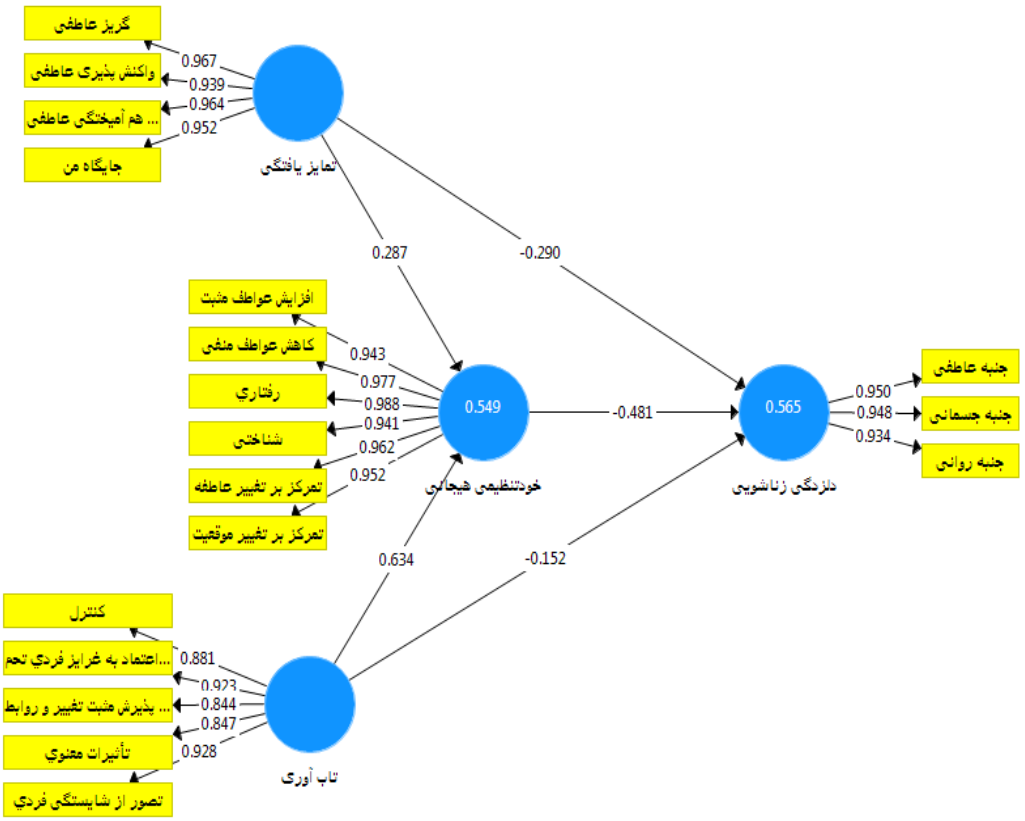
متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	اثر غیرمستقیم		اثر کل		مقدار احتمال
			β (استاندارد)	t	β (استاندارد)	t	
تاب‌آوری	--->	دلزدگی زناشویی	۰/۳۰۵ -	۷/۷۲۸	۰/۴۵۷ -	۱۰/۲۴۴	<۰/۰۰۱
تمایزیافتگی	--->	دلزدگی زناشویی	۰/۱۳۸ -	۵/۵۴۳	۰/۴۲۷ -	۱۰/۱۶۸	<۰/۰۰۱

جدول ۴. شاخص‌های نکویی برازش مدل تحلیل مسیر

شاخص‌های نکویی برازش	نسبت مجذور خی به درجهٔ آزادی	ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب	شاخص نکویی برازش تطبیقی	شاخص نکویی برازش	شاخص نکویی تطبیقی
الگوی مسیر	۳/۱۳	۰/۰۶۱	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۱

جدول ۴ نشان می‌دهد، شاخص‌های نکویی برازش از برازش نسبتاً خوب الگو با داده‌های گردآوری‌شده حمایت کرده است.

نتایج الگوی مسیر اندازه‌گیری‌شدهٔ روابط بین تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی و تمایزیافتگی با دلزدگی زناشویی در شکل ۲ مشاهده می‌شود.



شکل ۲. الگوی مسیر مدل برازش‌شدهٔ روابط بین تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی و تمایزیافتگی با دلزدگی زناشویی با برآورد ضرایب استاندارد

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل علّی دلزدگی زناشویی براساس میزان تمایزیافتگی، تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی زوجین انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تمایزیافتگی به‌طور مستقیم و معکوس بر دلزدگی زناشویی تأثیر معناداری داشت؛ بدین‌معنا که افراد دارای سطوح بیشتر تمایزیافتگی، به‌احتمال کمتری دچار دلزدگی زناشویی می‌شوند. این یافته با نتایج پژوهش امیدی‌فر و همکاران مبنی‌بر مقایسه و رابطهٔ خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی و صمیمیت زناشویی در زوجین هر دو و یکی شاغل در ادارات دولتی (۱۴) همسوست.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، افراد تمایزیافته برای سهیم‌شدن یا موضوعات، مشکلات، شکست‌ها یا اضطراب‌های نشانهٔ آسیب را نشان نمی‌دهند؛ درعوض درک روشنی از شریک‌بودن فرایندهای عاطفی اعتیادآور و آمیخته دارند که موجب بیماری، تضعیف روحیه، خوارشدن و خراب‌کردن آن‌ها می‌شود (۲۸). خودمتمایزسازی نشان‌دهندهٔ توانایی فرد برای دیدن خود به‌عنوان فردی جدا از خانواده است. همچنین فرض شده است که سطوح بالاتری از تمایز خود با سطوح بالاتری از عملکرد کلی، در سطح روانی و نیز فیزیولوژیک در ارتباط است؛ بوئن اعتقاد دارد سطوح بیشتری از تمایز با افزایش توانایی برای روابط پیچیدهٔ عاطفی، کاهش علائم استرس، سطوح کم استرس ادراک‌شده، اضطراب کمتر و همچنین با انعطاف‌پذیری فرد در ارتباط است. بسیاری از مطالعات پیش‌بینی کرده‌اند که خودمتمایزسازی با جنبه‌های مختلف پریشانی‌های روانی مانند اضطراب، افسردگی و استرس رابطهٔ منفی دارد و با سازه‌هایی مانند اعتمادبه‌نفس و رشد روانی دارای رابطهٔ مثبت است و سطوح بیشتر تمایز با افسردگی و مقاومت روانی کمتر ارتباط دارد. در نظریهٔ بوئن تمامی نشانه‌های مربوط به بیماری‌های روانی، بیماری‌های جسمی، مشکلات اجتماعی و به‌ویژه مشکلات زناشویی با سطح تمایزیافتگی مرتبط است (به نقل از ۸). تعارض‌های زناشویی از ضعف در تمایزیافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت‌یابی است و صمیمیت زناشویی مستلزم احساس قوی در هویت‌یابی و تمایزیافتگی خود است (۷). باتوجه به مطالبی که در تبیین این یافته بیان شد، مشخص می‌شود که افراد با تمایزیافتگی بیشتر میزان کمتری از استرس و افسردگی را در رابطهٔ زناشویی تجربه می‌کنند. استرس و افسردگی نیز دو مورد از علائم مهم دلزدگی زناشویی است.

همان‌طور که ذکر شد، بررسی نتایج نشان داد که تمایزیافتگی بیشتر، باعث کاهش دلزدگی زناشویی زوجین می‌شود و از این طریق تعارض زناشویی زوجین را کاهش می‌دهد. زوجین تمایزیافته ازطریق حفظ حس اطمینان خود در روابط نزدیک با یکدیگر، بدون نیاز به گریز هیجانی یا همجوشی با دیگران و نیز هنگام مواجهه با موقعیت‌های هیجانی با دیگران و همدیگر از خود واکنش هیجانی نشان نمی‌دهند و در این مواقع خونسرد هستند. زوجین با سطح تمایزیافتگی بیشتر، از غرق‌شدن در روابط نمی‌ترسند و بدین‌گونه منجربه اتخاذ رفتارهای دفاعی نمی‌شوند (۱۵). با سطح زیاد تمایزیافتگی افراد از درگیرشدن در روابط امتزاج‌یافته، هنگام تجربهٔ اضطراب امتناع می‌کنند؛ ازاین‌رو زوجین تمایزیافته، دلزدگی کمتری از خود نشان می‌دهند و درنهایت تعارض کمتری از خود بروز می‌دهند و زندگی زناشویی پایداری را تجربه می‌کنند (۱۵).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد، تاب‌آوری اثر منفی و معنادار بر دلزدگی زناشویی داشت. به‌عبارتی، تاب‌آوری زیاد در زوجین، دلزدگی زوجین را کاهش می‌دهد؛ بنابراین منجربه کاهش تعارض و افزایش سازگاری زوجین با همدیگر می‌شود. زوجین تاب‌آور جهت‌یابی پیش‌گستر دارند؛ یعنی مایل هستند رفتارهای استرس‌زا را به‌صورت زودگذر و موقتی ببینند و خودسنجی واقع‌بینانه‌ای دربارهٔ یکدیگر دارند؛ درنتیجه به حوادث آینده امیدوار هستند (۲۹). زوجینی که تاب‌آوری جذب‌کردن اضطراب به‌آسانی تحت‌تأثیر دیگران قرار نمی‌گیرند و آن‌ها افزایش یافته است، دارای خودتنظیمی بیشتری هستند؛ ازاین‌رو قادر به تعدیل هیجانات و رفتار خود و نیز خودآرامی (آرام‌کردن خود) هستند و به‌احتمال بیشتری می‌توانند توجه مثبتی را از دیگران و همدیگر فرا خوانند. این زوجین با ویژگی تاب‌آوری زیاد ادراک مثبت فرد از خود (خودپنداره)، اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی و عزت‌نفس قوی، مرکز کنترل درونی، هوش زیاد و خوگیری با دیگران را دارند؛ بنابراین با این اوصاف زوجین تاب‌آور از همدیگر کمتر دلزده می‌شوند و در طول زندگی زناشویی با همدیگر کمتر تعارض دارند و می‌توانند زندگی سازگار و پایداری داشته باشند (۳۰).

نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد، خودتنظیمی هیجانی بر دلزدگی زناشویی اثر منفی و معکوس داشت. به‌عبارتی، زوجین با خودتنظیمی هیجانی زیاد، دلزدگی زناشویی کمتری از خود نشان می‌دهند؛ ازاین‌رو تعارض کمتری در زندگی زناشویی از خود بروز می‌دهند. زوجین دارای خودتنظیمی هیجانی زیاد با برخورداربودن از تکنیک‌هایی نظیر آگاهی، ارزیابی هیجانات، پذیرش هیجانات و ابراز مناسب هیجانات موجب تعدیل هیجانات مثبت و منفی و به‌دنبال آن تعدیل قضاوت و ادراک مثبت از خویش می‌شوند؛ این امر به‌نوبهٔ خود می‌تواند در سلامت روان و سازگاری زناشویی و کاهش تعارضات زناشویی در آنان مؤثر و مفید باشد؛ زیرا هیجانات از نظر اجتماعی مفید هستند و می‌توانند در انتقال احساسات به دیگران، تعامل اجتماعی و ایجاد و حفظ رابطه با دیگران سازنده باشند؛ به‌علاوه هیجان‌ها به‌عنوان راه‌حل‌هایی برای مقابله با چالش‌ها، استرس‌ها و مشکلات زندگی عمل می‌کنند (۴).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد، تمایزیافتگی و تاب‌آوری اثر معنادار و مثبت بر خودتنظیمی هیجانی داشتند. به‌عبارتی، زوجینی که تمایزیافتگی و تاب‌آوری بیشتری دارند، از خودتنظیمی هیجانی بیشتری برخوردار هستند. این یافته با نتایج پژوهش کلوکرینوس و همکاران مبنی‌بر رابطهٔ مثبت تمایزیافتگی با خودتنظیمی هیجانی (۱۵) همسوست. براساس یافتهٔ پژوهش حاضر، تمایزیافتگی و تاب‌آوری زیاد منجربه افزایش خودتنظیمی هیجانی در زوجین می‌شود. به‌علاوه افزایش خودتنظیمی هیجانی به‌نوبهٔ خود باعث کاهش دلزدگی و درنهایت منجربه کاهش تعارض زناشویی می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت، زوجین خودتنظیم در زندگی زناشویی کمتر از یکدیگر دلزده می‌شوند و در زندگی با همدیگر تعامل بیشتری دارند و کمتر دچار تعارض زناشویی می‌شوند (۱۴).

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، ابزار اندازه‌گیری بود. مقیاس‌های خودگزارشی امکان سوگیری را فراهم می‌کنند؛ همچنین تفاوت آزمودنی‌ها در عوامل مربوط به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنترل پژوهشگر نبود که براساس موارد ذکرشده در تعمیم یافته‌ها باید احتیاط شود. براساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود برای زوجین، کارگاه‌های آشنایی با علائم دلزدگی زناشویی و راهکارهای مقابله با آن تشکیل شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی و مشاورهٔ ازدواج و خانواده آموزش‌هایی درجهت کاهش تعارضات زناشویی به‌کار رود؛ به‌صورتی‌که آموزش متغیرهای بررسی‌شده که در کاهش دلزدگی

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

زناشویی زوجین مؤثر هستند، سهم عمده‌ای در کاهش آمار طلاق داشته باشد.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که تاب‌آوری و تمایزیافتگی با نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی می‌تواند مدل مطلوبی برای تبیین دلزدگی زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی باشد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان که در این پژوهش ما را یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج است. مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه‌شده از زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ شهر گچساران با شماره نامهٔ ۱۱۲ صادر شده است. تمامی افراد به‌شکل کتبی اطلاعاتی دربارهٔ پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد. به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

رضایت‌نامه برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دسترسی به داده‌ها و مواد

بخشی از داده‌ها نظیر اطلاعات مربوط به پیامد اصلی یا امثال آن امکان اشتراک‌گذاری دارد.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

تأمین منابع مالی انجام این پژوهش از هزینه‌های شخصی بوده است و توسط هیچ نهاد یا سازمانی صورت نگرفته است.

مشارکت نویسندگان

نویسندهٔ اول داده‌های به‌دست‌آمده را آنالیز و تفسیر کرد. نویسندهٔ دوم، در نگارش نسخهٔ دست‌نوشته همکار اصلی بود. همهٔ نویسندگان نسخهٔ دست‌نوشتهٔ نهایی را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Kebritchi A, Mohammadkhani S. The role of marital burnout and early maladaptive schemas in marital satisfaction between young couples. International Journal of Medical Research & Health Sciences. 2016;5(12):239–46.
2. Guo YF, Luo YH, Lam L, Cross W, Plummer V, Zhang JP. Burnout and its association with resilience in nurses: a cross-sectional study. J Clin Nurs. 2018;27(1–2):441–9. doi:10.1111/jocn.13952
3. Bartle-Haring S, Shannon S, Bowers D, Holowacz E. Therapist differentiation and couple clients' perceptions of therapeutic alliance. J Marital Fam Ther. 2016;42(4):716–30. doi:10.1111/jmft.12157
4. Florean IS, Păsărelu CR. Interpersonal emotion regulation and cognitive empathy as mediators between intrapersonal emotion regulation difficulties and couple satisfaction. J Evid Based Psychother. 2019;19(2):119–34. doi:10.24193/jebp.2019.2.17
5. Miroshnikova YA, Le HQ, Schneider D, Thalheim T, Rübsam M, Bremicker N, et al. Adhesion forces and cortical tension couple cell proliferation and differentiation to drive epidermal stratification. Nat Cell Biol. 2018;20(1):69–80. doi:10.1038/s41556-017-0005-z
6. Goodarzi M. Predicting the probability of marital infidelity based on self-differentiation, family function & couple burnout. Journal of Counseling Research. 2019;18(71):80–99. [Persian] doi:10.29252/jcr.18.71.80
7. Peixoto-Freitas J, Rodríguez-González M, Crabtree SA, Martins MV. Differentiation of self, couple adjustment and family life cycle: a cross-sectional study. Am J Fam Ther. 2020:48(4):299–316. doi:10.1080/01926187.2020.1736689
8. Lampis J, Cataudella S, Agus M, Busonera A, Skowron EA. Differentiation of self and dyadic adjustment in couple relationships: a dyadic analysis using the actor-partner interdependence model. Fam Process. 2019;58(3):698–715. doi:10.1111/famp.12370
9. Aydogan D, Kizildag S. Examination of relational resilience with couple burnout and spousal support in families with a disabled child. The Family Journal. 2017;25(4):407–13. doi:10.1177/1066480717731215
10. Sanford K, Kruse MI, Proctor A, Torres VA, Pennington ML, Synett SJ, et al. Couple resilience and life wellbeing in firefighters. J Posit Psychol. 2017;12(6):660–6. doi:10.1080/17439760.2017.1291852
11. Jeon J-K. Study on the couple relationships in military: relationship among military life stress, couple relationship resilience and military adjustment. Journal of Digital Convergence. 2018;16(2):47–56.. doi:10.14400/JDC.2018.16.2.047
12. McCarthy LA. Influences of couples' type, division of labor, and violated expectations on first-time parents individual and marital well-being. [PhD dissertation]. [Gainesville, USA]: University of Florida; 2006.
13. Bernstein M, Bernstein PA. Methods of treating marital problems (behavioral-communication approach): how to improve marital relations. Touzandejani H, Kamalpour N. (Persian translators). Mashhad: Marandiz Pub; 2001.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]

14. Omidifar H, Pourebrahim T, Khoshkonesh A, Moradi A. The comparison and relationship between Emotional self-regulation with marital burnout and intimacy in one practitioner and both practitioner couples in governmental offices. Career & Organization Counseling. 2016:8(26):50–67. [Persian] https://jcoc.sbu.ac.ir/article_99549.html?lang=en
15. Kalokerinos EK, Erbas Y, Ceulemans E, Kuppens P. Differentiate to regulate: low negative emotion differentiation is associated with ineffective use but not selection of emotion-regulation strategies. Psychol Sci. 2019;30(6):863–79. doi:10.1177/0956797619838763
16. Kline RB. Software review: software programs for structural equation modeling: Amos, EQS, and LISREL. Journal of Psychoeducational Assessment. 1998;16(4):343–64. doi: 10.1177/073428299801600407
17. Sanaei B. Measurement scales of family and marriage. Tehran: Be'sat Publishing Institute; 2000.
18. Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: development and initial validation. J Couns Psychol. 1998;45(3):235–46. doi:10.1037/0022-0167.45.3.235
19. Jafary S, Alavi M, Irajpour A, Mehrabi T. Relationship between differentiation of self and attitude towards physician–nurse relationship in hospitals (Isfahan/Iran). Iranian J Nurs Midwifery Res. 2017;22(4):262–6. doi:10.4103/1735-9066.212982
20. Connor KM, Davidson JR. Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). Depress Anxiety. 2003;18(2):76–82. doi:10.1002/da.10113
21. Campbell-Sills L, Stein MB. Psychometric analysis and refinement of the Connor–Davidson Resilience Scale (CD-RISC): validation of a 10-item measure of resilience. J Trauma Stress. 2007;20(6):1019–28. doi:10.1002/jts.20271
22. Mohammadi M. The reliably and validity of Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC) in Iran. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. 2005;10(3):12–20.
23. Larsen RJ, Prizmic Z. Affect regulation. In: Baumeister RF, Vohs KD. editors. Handbook of self-regulation: research, theory, and applications. New York: Guilford Press; 2004. pp: 40–61.
24. Meamar E, Keshavarzi F, Emamipour S, Golshani F. Effectiveness of mindful parenting training on mothers' affective self-regulation and on the externalizing behavioral problems in adolescent girls. Journal of Applied Environmental and Biological Sciences. 2015;5(11):677–82.
25. Pines AM. Couple burnout: causes and cures. New York: Routledge; 1996.
26. Navidi F. Barrasi va moghayeseye rabeteye delzadegi zanashoo'i ba avamele jav'e sazemani dar karkonan edarat amoozesh va parvaresh va parastaran bimarestan haye shahre Tehran [Investigating and comparing the relationship between marital distress and organizational climate factors in the staff of education departments and nurses of hospitals in Tehran] [Thesis for MSc]. [Tehran, Iran]: Shahid Beheshti University of Tehran; 2005.
27. Becker J-M, Klein K, Wetzels M. Hierarchical latent variable models in PLS-SEM: guidelines for using reflective-formative type models. Long Range Planning. 2012;45(5):359–94. doi: 10.1016/j.lrp.2012.10.001
28. Zarei S, Farahbakhsh K, Esmaeili M. The determination of the share of self-differentiation, trust, shame,and guilt in the prediction of marital adjustment. Knowledge & Research in Applied Psychology. 2017;12(45):51-63. http://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_533798.html
29. Zhang J, Yu NX, Zhou M, Zhang J. Dyadic effects of resilience on well-being in Chinese older couples: mediating role of spousal support. J Fam Psychol. 2017;31(3):273–81. doi:10.1037/fam0000250
30. Hosseini N, Navabinejad S, Kiamanesh A. Comparing the effectiveness of Olson circumplex model and Walsh integrated approach on marital resilience and conflicts of couple. International Journal of Behavioral Sciences. 2016;10(2):75–80. [Persian] http://www.behavsci.ir/article_67946.html

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-02]